

زاغه‌نشین‌های بالنده

شکو فایبی و رشد استعدادهای محروم

احسان بارمحمدی

پژوهش‌گر سینما



شرکت در مسابقات بین مدارس ایالت‌شان می‌کند. او در شروع و حین کارش با مشکلات فراوانی برای تشکیل و هدایت تیم هفت نفره‌اش روبروست. چالش‌ها و معضلاتی که به علت فقر و تنگدستی حاکم بر خانواده‌های مکزیک‌تبار مهاجر به مک‌فارلین است. خانواده‌هایی که مجبورند برای تامین مایحتاج زندگی و سپری کردن زندگی روزمره، همواره بر روی مزارع و زمین‌های کشاورزی دیگران کار کنند و به منظور کسب درآمد بیشتر، کار فرزندان‌شان بر روی این مزارع بر تحصیل آن‌ها در دبیرستان الویت دارد؛ چه بسا که فرزندان آن‌ها بخواهند به دنبال ورزش قهرمانی بروند. اما جیم وایت باهوش و مصمم به اعضای تیمش می‌گوید: کسب مقام قهرمانی در مسابقات دوی استقامت بین مدارس ایالت کالیفرنیا باعث می‌شود که آن‌ها بتوانند بدون پرداخت هزینه یا دریافت بورس تحصیلی وارد دانشگاه شوند و به واسطه کسب مدارک دانشگاهی آتی‌های مطلوب و بهینه را برای خود و خانواده‌شان رقم بزنند. صداقت و صلابت جیم وایت باعث می‌شود که اعضای تیم هفت نفره منتخب و خانواده‌های آن‌ها تمام قد از وایت و هدفش حمایت کنند. بعد از گذشت مدت زمانی و با کسب پیروزی‌های آغازین در مسابقات مقدماتی، جیم وایت و اعضای تیم دوی استقامت او به نمادی برای شهر مک‌فارلند تبدیل می‌شوند که موفقیت و کامروایی آن‌ها باعث سرفرازی و شادکامی اهالی و ساکنین شهر مک‌فارلند است. مسابقات دوی استقامت سال ۱۹۸۷ بین مدارس ایالت کالیفرنیا، اوج درخشش وایت و تیم هفت نفره اوست. آن‌ها در آن سال موفق به کسب عنوان قهرمانی این مسابقات شده و برای نخستین بار جام ارزنده این تورنمنت را از مدارس متمکن و ثروتمند ایالت کالیفرنیا می‌ربایند. جیم وایت قهرمانی این مسابقات را هشت بار دیگر در سال‌های ۱۹۹۲، ۱۹۹۳، ۱۹۹۴، ۱۹۹۵، ۱۹۹۶، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ با گروه‌های دیگری از دانش‌آموزان دبیرستان مک‌فارلند برای شهر مک‌فارلند و شهروندان آن به ارمغان می‌آورد. این موضوع و تکرار این همه موفقیت توجه کارشناسان و خبرنگاران فن را به توان بالای آموزشی و مدیریتی جیم وایت معطوف می‌کند. زیرا از او نمی‌توان تنها به‌عنوان یک معلم ورزش ساده که وظیفه آموزش دانش‌آموزان کلاس‌های خود در دبیرستان مک‌فارلند را

تاکنون به این موضوع فکر کرده‌اید که ممکن است چه استعداد‌های بی‌ظنیری در بین افراد طبقات محروم و کم بضاعت جامعه وجود داشته باشد که حتی مال‌داران و توان‌گران هم از آن استعدادها بی‌بهره‌اند؟ آیا تا به حال به این نکته توجه کرده‌اید که ممکن است چه تعداد از انسان‌های طبقات پایین جامعه به علت نبود شرایط مالی و امکانات آموزشی مناسب به سرمنزلی خوش فرجام نرسند و از نتایج ارزشمند و فاخر استعداد و توان بالقوه پنهان در نهادشان بی‌بهره شوند؟ آیا این موضوع را پذیرفته‌اید که اعضای طبقات سطوح پایین جوامع نیز می‌توانند با بهره‌مندی از آموزش و پرورش مناسب توسط اساتید خبره و بزرگان فن در قامت انسان‌های کامیاب در شاخه‌های علمی، ورزشی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ... بدرخشند؟

برای پاسخ‌دادن به این سؤالات و روشن شدن بهتر این موارد قصد داریم تا در این مقاله به شرح یک رویداد واقعی بپردازیم. رخدادی که دست‌مایه ساخت فیلم سینمایی تحسین برانگیز **مک‌فارلند**^۱ محصول سال ۲۰۱۵ به کارگردانی **نیکی کارو**^۲ است. فیلمی که در آن هفت تن از دانش‌آموزان طبقه محروم **دبیرستان مک‌فارلند**^۳ شهر مک‌فارلند واقع در **سن خوآکین ولی**^۴ ایالت کالیفرنیا ایالات متحده آمریکا تحت آموزش و مدیریت معلمی کاربلد و فرهیخته به مقام قهرمانی دوی استقامت سال ۱۹۸۷ بین مدارس ایالت **کالیفرنیا**^۵ می‌رسند.

جیمز وایت^۶ مشهور به **جیم**^۷ وایت یک معلم علوم زندگی و مربی ورزش و آموزش‌گر فوتبال آمریکایی است که به دنبال شغل معلمی وارد شهر مک‌فارلند شده و در دبیرستان آن شهر مشغول به کار می‌گردد. او در بدو ورودش متوجه است که پا در چه شهری گذاشته، شهری که اکثریت آن را طبقه محروم و مستضعف جامعه و مهاجران مکزیک‌تبار تشکیل می‌دهند. افرادی که معاش آن‌ها از طریق کارگری در مزارع، باغ‌ها، جالیزها و بوستان‌ها سپری می‌شود. جیم وایت که استعدادیابی بی‌ظنیر است، بعد از مدت کوتاهی پی به استعداد دوندگی تعدادی از دانش‌آموزان کلاسش می‌برد و از طریق مدیر مدرسه اقدام به فراخوانی برای تشکیل تیم دوی استقامت مدرسه مک‌فارلند برای

استعداد، استعداد، استعداد است؛
حتی اگر دارندهٔ استعداد از
طبقهٔ فرودست جامعه باشد.
استعداد، استعداد است؛ و جدا
از هر جایگاه و طبقه نیازمند توجه،
آموزش، تربیت، مراقبت و ... است

دانش‌آموزان علاقه‌مند به ورود به دانشگاه اشاره دارد. جنبه‌ای که پذیرش استعدادها و نخبگان را از طریق مهارت‌های جسمانی فراهم می‌کند و نه تنها از راه مهارت‌های تست‌زنی و شرکت در ماراثن کنکور سراسری! اینجاست که باید دست‌اندرکاران امر به فکر چاره باشند و با اتخاذ تدابیر شایسته، راه را برای رشد و نمو استعداد‌های در حاشیه که در سایهٔ حواشی روزمره رویت نمی‌شوند؛ هموار سازد.

در پایان شما را به تماشای فیلم ارزشمند مک‌فارلند تشویق می‌کنیم و امیدوارم که شما با مطالعهٔ این مقاله و تماشای فیلم مزبور در زمرهٔ افراد فرهمندی باشید که هرگاه در زاغه، بیغوله و ناکجاآبادی با فرد یا مجموعه افرادی (به ویژه نوباوگان، نوجوانان و جوانان) برخورد کردید که از توانمندی‌ها و استعداد‌های ویژه‌ای برخوردار بودند، راه و فضا را تا جایی که امکان دارد، برای سعادت و صلاحیت آنان باز کنید. زیرا نباید استعداد و برجستگی انسان‌ها به موقعیت خانوادگی و اجتماعی آنان پیوند خورد. از طرفی برای ایجاد و احیای یک جامعهٔ پویا و ماندگار نیاز به حمایت و هدایت از تمام اقشار مستعد و بالندهٔ جامعه مانند کارگران، دهقانان، فلاحان، کشاورزان و ... امری لازم و ضروری است. بنابراین امیدواریم همان‌گونه که جیم وایت صفت ارزندهٔ علوم زندگی را به‌عنوان یک معلم با خود به همراه داشت؛ هر یک از ما نیز با بهره‌گیری از نگرش والا در برخوردها و تعاملات‌مان با استعداد‌های زاغه‌نشین و در حاشیه بهترین عملکرد را به ارمغان گذاشته و باعث تکامل و تعالی بالندگان محروم شویم.

پی‌نوشت‌ها

1. McFarland
2. Niki Caro
3. McFarland High School
4. San Joaquin Valley
5. California
6. James White
7. Jim

عهده‌دار بوده است، یاد کرد. بلکه توان بالای مدیریتی او در برنامه‌ریزی، سازماندهی، کنترل و رهبری عناصر و اعضای تحت اختیارش باعث کسب این چنین دست‌آوردهایی برای او و شاگردانش شده است.

از سوی دیگر نگاه ویژه جیم وایت در سال ۱۹۸۷ به دانش‌آموزان کم‌بضاعت مکزیکی‌الاصل و کسب عنوان نخست مسابقات قهرمانی ایالت کالیفرنیا توسط آنان، این نکته را گوشزد می‌کند که استعدادها رنگ

و پوست نمی‌شناسند. استعداد، استعداد است؛ حتی اگر دارندهٔ استعداد از طبقهٔ فرودست جامعه باشد. استعداد، استعداد است؛ و جدا از هر جایگاه و طبقه نیازمند توجه، آموزش، تربیت، مراقبت و ... است.

در پایان این فیلم مشاهده می‌کنیم که کسب عنوان قهرمانی توسط این دانش‌آموزان متعلق به قشر پایین جامعه، مجوز ورود آن‌ها به دانشگاه را رقم می‌زند. ورود و تحصیل آن‌ها به دانشگاه باعث انتخاب شغل مناسب در آینده و رهایی آن‌ها از کارهای سنگین و طاقت‌فرسا در مزارع و مراتع می‌شود. دانشگاهی که تضمین‌کنندهٔ شغل آبرومند آتی آن‌هاست. شغلی که آیندهٔ بهتری را برای فرزندان و دانشجویان احتمالی‌شان در تیم مدرسهٔ مک‌فارلند رقم می‌زند. آری اگر جیم وایت و نگرشش وجود نداشت، سرانجام آن هفت نفر هم به مانند سایر هم‌سالان‌شان کار در مزارع و باغ‌ها بود و یا مانند گروهی دیگر از هم‌دوره‌ای‌های‌شان به عضویت در باندهای مواد مخدر و دسته‌های تبهکاری تن می‌دادند. عضویت و تعلق‌ی که پایانی جز حضور در زندان و نابودی مجموعه‌ای از استعدادها را در بین نداشت. اینجاست که ارزش یک نگرش پویا و گسترده در تبلور استعدادها هویدا می‌شود. دیدگاهی که افق‌های روشن را برای استعداد‌های خفته فراهم می‌سازد و آتیهٔ آنان را به شکل فزاینده‌ای پهنه می‌سازد.

فیلم مک‌فارلند از جنبهٔ دیگری هم نیز قابل تأمل است. جنبه‌ای که به وجود ساختاری به غیر از وجود آزمون ورودی دانشگاه‌ها که سال‌هاست در کشور ما جاری و ساریست، برای پذیرش